



The Mediating Role of Negative Affection Toward Self- Forgiveness and Decisional and General Procrastination in Male Students of Tabriz University: Structural Equations Model

Rahim Badri-Gargari¹, Shahrooz Nemati^{1*}, Mohammadi, Nader¹

¹ Faculty Member, Department of Educational Sciences, School of Psychology and Education Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

*Corresponding author: Shahrooz Nemati, Department of Educational Sciences, School of Psychology and Education Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: Sh.Nemati@Tabrizu.ac.ir

Article Info

Keywords: Decisional and General Procrastination, Negative Affection, Self-Forgiveness, Structural Equations Model

Abstract

Introduction: The current research was conducted to determine the mediating role of negative affection toward self- forgiveness and procrastination in male students of Tabriz University.

Methods: In the same vein, 361 male students were selected by random cluster sampling **Method** from three groups of technical and engineering, basic science and human science faculties. The general procrastination, decisional procrastination, positive and negative affect, and Heartland forgiveness inventories were used for gathering the data. The theoretical model was tested within a structural equation- modeling framework to identify both direct and indirect effects .

Results: The results indicated overall model fit. Although direct effects of self-forgiveness on decisional and general procrastination behaviors were not significant, but indirect effect of self-forgiveness on the decisional and general procrastination behaviors, it was fully mediated by negative affection.

Conclusions: Due to effect of self-forgiveness on negative affect and academic procrastination, its training is needed for students.

Copyright © 2020, Education Strategies in Medical Sciences (ESMS). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

نقش میانجی عاطفه منفی در رابطه بین گرایش به بخشش خود و تعلل‌ورزی عمومی و تصمیم‌گیری دانشجویان پسر دانشگاه تبریز: الگوی معادلات ساختاری

رحیم بدری-گرگری^۱، شهرروز نعمتی^{۱*}، نادر محمدی^۱

^۱ گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

*نویسنده مسوول شهرروز نعمتی گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. ایمیل: Sh.Nemati@Tabrizu.ac.ir

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه گرایش به بخشش خود با تعلل‌ورزی رفتاری و تصمیم‌گیری دانشجویان انجام شد.
روش‌ها: نمونه پژوهش شامل ۳۶۱ دانشجوی پسر در سه گروه فنی و مهندسی، علوم پایه و علوم انسانی از دانشجویان کارشناسی تمامی دانشکده‌های دانشگاه تبریز بودند که بوسیله نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و از پرسشنامه‌های تعلل‌ورزی عمومی، تعلل‌ورزی تصمیم‌گیری، مقیاس‌های عاطفه مثبت و منفی و پرسشنامه گرایش به بخشش به منظور جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. مدل نظری با استفاده نرم افزار AMOS و از روش SEM برای تعیین اثرات مستقیم و غیر مستقیم مورد ارزیابی قرار گرفت.
یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که مدل از برازش کلی بر خوردار است. اثر مستقیم گرایش به بخشش خود بر تعلل‌ورزی رفتاری و تصمیم‌گیری معنی دار نبود اما اثر غیر مستقیم گرایش به بخشش خود از طریق عاطفه منفی بر تعلل‌ورزی رفتاری و تصمیم‌گیری معنی دار بود ($P < 0.001$).
نتیجه‌گیری: با توجه به نقش خودبخشی در کاهش عاطفه منفی و کاهش تعلل‌ورزی آموزش آن برای دانشجویان پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: تعلل‌ورزی عمومی و تصمیم‌گیری، عاطفه منفی، گرایش به بخشش خود، الگوی معادلات ساختاری

مقدمه

تعلل ورزشی یا اهمالکاری محول کردن کارهای ضروری بدون هیچ دلیلی به آینده است، که از قبل فرد بطور قطع تصمیمی برای انجام دادن آن گرفته است، در این فرایند فرد با وجود آگاهی از پیامدهای ناخوش آیند آن، شروع یا تکمیل کار را به تاخیر می‌اندازد و به صورت ناخودآگاه به این رویه ادامه می‌دهد، این شرایط به صورت یک عادت یا صفت رفتاری در می‌آید [۱].

تعلل ورزشی حالتی از آسایش روانی و جسمی است که فرد با تعلل کردن و به تاخیر انداختن شروع کارها، در صدد کسب آسایش جسمی و روانی است [۲]. برخی پژوهشگران تعلل ورزشی را به عنوان روشی برای اجتناب یا فرار از تکالیف آزار دهنده دانسته اند [۳]. تعلل ورزشی تمایل به تأخیر انداختن شروع و تکمیل تکالیف مهم نیز است [۴]. تعلل ورزشی تحصیلی به عنوان حوزه-ویژه ای از ناکامی خود-تنظیمی نیز توصیف شده است [۵]. ادبیات پژوهشی بیانگر دو نوع تعلل ورزشی است [۶]. تعلل ورزشی رفتاری که به معنای تأخیر در تکمیل تکالیف اصلی و مهم زندگی است [۷]، و تعلل ورزشی تصمیم‌گیری که به معنای تأخیر آگاهانه در تصمیم‌گیری برای چارچوب زمانی معین است [۸]. بررسی تعلل ورزشی در گروه دانشجویان با توجه به این که آن‌ها در آستانه پذیرش پست‌های کلیدی و ایفای وظیفه در نهادهای مختلف کشور هستند از اهمیت خاصی برخوردار است. شیوع تعلل ورزشی در بین دانشجویان، در برخی پژوهش‌ها ۷۵ درصد [۹]، حدود ۸۵-۷۰ درصد [۱۰]، ۵۰ درصد [۱۱]، [۱۲] است. در ایران نیز میزان شیوع تعلل ورزشی در بین دانشجویان بالاتر است. میزان شیوع تعلل ورزشی را در دانشجویان دانشگاه ۶۱ درصد گزارش کرده است [۱۳]. در زمینه رابطه جنسیت با تعلل ورزشی نتایج مطالعات متناقض است. برخی مطالعات بر عدم تفاوت شیوع تعلل ورزشی در دانشجویان دختر و پسر [۱۴، ۱۵] و برخی بر گسترده بودن آن در دانشجویان دختر [۱۶] تأکید دارند. اما بیشتر پژوهش‌ها بر شیوع بیشتر آن در دانشجویان پسر اشاره نموده اند [۱۷، ۱۸].

پژوهش‌های تجربی نشان دادند که تعلل ورزشی مشکل انگیزشی است، برای نمونه برخی تعلل ورزشی را تابع برخی عوامل موقعیتی، نظیر تأخیر در پاداش و آزارندگی تکلیف و ویژگی‌های شخصیتی، از قبیل خودآگاهی کم، بی‌نظمی ذهنی، خودکنترلی پایین و نقصان در انگیزش می‌داند [۲]. بسیاری از محققان تعلل ورزشی را تابعی از سطوح پایین خود-تنظیمی می‌دانند [۱۹]. برخی تعلل ورزشی را "شکست خود-تنظیمی عملکرد" می‌داند که در آن، افراد تعلل ورزشی در تنظیم کارکردشان در موقعیت‌های استرس‌زا و با بار شناختی بالا شکست می‌خورند [۲۰].

تعلل ورزشی نمونه‌ای از مجموعه رفتارهای خودفریبی مانند خوردن بیش از اندازه، ولخرجی، قماربازی، رفتارهای جنسی با شریک‌های متعدد است که همه آنها ناشی از شکست در خودتنظیمی هستند [۲۱]. تعلل ورزشی نمونه کامل شکست در

خودتنظیمی است. دو چیز در دیدگاه «شکست در خودتنظیمی» تعلل ورزشی مهم است. اولاً تعلل ورزشی یک نوع رفتار آسیب به خود است. یعنی شکست در خودتنظیمی برای نایل آمدن به هدف خود، یک نوع خطا در برابر خویشتن است. از طرف دیگر، بر خلاف شکست در خودتنظیمی‌های دیگر مانند مصرف مواد و خوردن بیش از اندازه که نوعی رفتارهای گرایشی هستند، تعلل ورزشی شامل تلاش برای دوری از انجام وظایف خاص (رفتار اجتنابی) است. افرادی که رفتار تعلل ورزشی دارند با اجتناب غیر منطقی از تکالیف خود به خودشان آسیب می‌زنند. در نتیجه غلبه بر تعلل ورزشی نیازمند جایگزینی این انگیزش اجتنابی با انگیزش گرایش است [۲].

اگر تعلل ورزشی را به عنوان یک تخلفی که به فرد آسیب زده است در نظر بگیریم، بخشش یک قدم اساسی و ضروری در تغییر انگیزش موثر است. پس به نظر می‌رسد بخشش یکی از متغیرهایی باشد که با تعلل ورزشی در ارتباط باشد. بخشش را با مصالحه، عفو قانونی، چشم‌پوشی و فراموشی نباید اشتباه گرفت. بخشش فرایندی درونی است که طی آن جنبه‌های شناختی، احساسی و رفتاری فرد در برابر خطا و خطا کار تغییر می‌کند [۲۲]. بخشش دست کشیدن از حق تلافی جویانه متعاقب صدمه وارده، است [۲۳]. منظور از بخشش فرایند چشم‌پوشی ارادی از حق عصبانیت و انزجار از عمل ارتكابی زبانبخش است [۲۴].

بخشش به سه نوع بخشش خود، دیگران و موقعیت طبقه بندی می‌شود [۲۵]. از جمله مولفه‌های بخشش که مورد توجه محققان قرار گرفته است خودبخششی است. خودبخششی یک تغییر در نگرش خودارجاعی مثبت است که منجر به تجربه کمتر احساسات منفی می‌شود. به عبارت دیگر، بخشش خود به عنوان یک سری از تغییرات در انگیزش تصور می‌شود که در آن انگیزش برای اجتناب از محرک مربوط به تخلف و خودتنبیهی کاهش داده می‌شود، در مقابل انگیزش برای رفتار مهربانانه با خود افزایش می‌یابد [۲۶]. سه گام اساسی برای خودبخششی وجود دارد. در اولین گام فرد می‌پذیرد که تخلف یا خطایی در برابر خود انجام داده است و مسئولیت آن خطا را بپذیرد. در گام بعدی فرد احساس گناه و تأسف را تجربه می‌کند. و سرانجام فرد باید بر این احساس خود چیره و غلبه پیدا می‌کند و خودش را می‌بخشد و در اثر انجام آن تغییری در انگیزش او ایجاد می‌شود و این تغییر از خود سرزنشگری به طرف پذیرش خود می‌باشد [۲۶].

علاوه از «گرایش بر خودبخششی» به عنوان یک مولفه شناختی، عوامل عاطفی نیز می‌تواند بر تعلل ورزشی تأثیر گذار باشد. تاکنون بیشتر نظریه‌ها تأکید شان بر سازه‌های رفتاری و شناختی تعلل ورزشی است اما تعلل ورزشی شامل مولفه عاطفی نیز هست. با وجود این کمتر روی جنبه عاطفی آن پژوهش انجام گرفته است. در برخی از تحقیقات از تجربه هیجان و عاطفه گناه و شرم در هنگام تعلل ورزشی اشاره شده است [۲۰، ۲۷]. بر پایه نظریه کنترل عاطفی

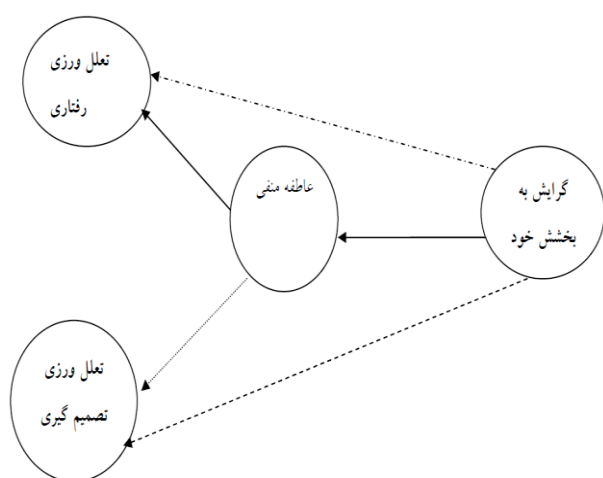
افراد در واکنش به موقعیتها و شرایط مختلف بر پایه سه پیش فرض دست به عمل می زنند: ۱. در هر موقعیت، افراد به گونه ای رفتار می کنند که بین عواطف آنها و موقعیت تناسب وجود داشته باشد. بنابراین وقتی افراد عاطفه منفی بالایی دارند، در واکنش به موقعیت‌های نا عادلانه، بر مبنای اضطراب، ترس، نگرانی و رنجش پاسخ می دهند و در مقابل وقتی در وضعیت عاطفه مثبت بالایی هستند، شیوه های مثبت نگر (خوش بینانه) و مبتنی بر برقراری روابط و اطلاع رسانی را در پیش می گیرند؛ ۲. افرادی که قادر به ابراز هیجانهای متناسب با موقعیت نیستند، سعی می کنند تا ادراک خود از موقعیت را اصلاح نمایند؛ ۳. افراد سعی می کنند حوادث و وقایعی را پدید آورند تا احساسات و عواطفی را که نسبت به خود و دیگران در آن موقعیت دارند، مورد تأیید قرار دهند [۲۸].

خودبخششی به افراد کمک می کند تا بر عواطف و احساسات منفی خود غلبه کنند و رفتار خود را تغییر دهند، گرایش به بخشش خود موجب می شود که اولاً فرد آشفته گی هیجانی خود را که منجر به اجتناب از محرک های مربوط به تحصیل می شود را کاهش دهد ثانیاً چون خودبخششی نوعاً با یک تعهد و پیمان با تغییر رفتار خود در آینده همراه است. این تعهد و عهد و پیمان موجب می شود تا فرد با رفتار های گرایشی بیشتر در گیر باشد تا با رفتار های اجتنابی. بنابراین خودبخششی موجب می شود فرد احتمالاً کمتر اجتناب نماید بلکه فرد گرایش به انجام موفقیت آمیز وظایف و تکالیف در آینده باشد [۲۹].

سطوح بالای گرایش به بخشش خود پیش بینی کننده افسردگی و اضطراب پایین، خشم کم، و رضایت از زندگی بالا می باشد. همچنین نتایج آنها نشان داد که بخشش خود واریانس معینی از افسردگی، اضطراب و رضایت از زندگی را تبیین می کند [۲۵]. افزون بر این، افرادی که تجربه ضربه های روانی مانند سوء استفاده جسمانی و جنسی را داشتند، گرایش به بخشش خود، موجب کاهش نشانگان اختلال استرس پس از سانحه شد [۳۰]. بخشش خود به صورت معنی داری با راهبرد های مقابله ای پذیرش، تفسیر مجدد مثبت و مقابله فعال و به صورت منفی با راهبرد های مقابله ای انکار و عدم درگیری رفتاری با تکالیف مرتبط است [۳۱]. همچنین خودبخششی تأثیر تجربه استرس را در سلامتی روانی زنان مبتلا به سرطان سینه، پیش بینی می کند [۳۲]. شواهد پژوهشی نشان داد افرادی که رابطه عشق روماتیک را به طور ناخواسته قطع نمودند، خودسرزنشگری آنها افزایش پیدا کرده و منجر به افسردگی آنها شد، این اثر از طریق خودبخششی تعدیل شد [۳۳]. مطالعه ای نشان داد که گرایش به خودبخششی موجب کاهش عواطف منفی مخصوصاً احساس گناه و شرم می شود، با کاهش احساس گناه و شرم تعلل ورزی فرد نیز کاهش می یابد. بنابراین خودبخششی موجب می شود که انگیزش گرایش به عمل و رفتار جایگزین انگیزش برای اجتناب

از یک عمل شود [۲۹]. با توجه به اهمیت تعلل ورزی در دانشجویان و تأکید نظریه پردازان مبنی بر خودتخریبی بودن رفتار های تعلل ورزی و نقش گرایش به بخشش خود در سلامت روانی و تأکید یافته های پژوهشی قبلی مبنی بر نقش میانجی و واسطه ای عاطفه منفی در رابطه بین سلامت جسمی و روانی و عوامل روانشناختی دیگر پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش واسطه ای عاطفه منفی در رابطه بین گرایش به بخشش خود و تعلل ورزی دانشجویان دانشگاه تبریز انجام گرفت و تلاش داشت مدل نظری زیر را مورد آزمون قرار دهد (شکل ۱).

شکل (۱) رابطه گرایش به بخشش خود، عاطفه منفی و تعلل ورزی رفتاری و تصمیم گیری دانشجویان پسر دانشگاه تبریز



روش ها

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی و به روش تحلیل مسدود است. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان کارشناسی پسرکلیه دانشکده های دانشگاه تبریز بودند که در سه گروه فنی و مهندسی، علوم پایه و علوم انسانی تقسیم بندی شدند. بر اساس آمار دانشگاه، مجموع دانشجویان پسر دانشکده ها برابر با ۵۱۲۹ نفر بودند. بر اساس جدول تعیین حجم نمونه [۳۴]، ۳۶۱ دانشجویان به عنوان نمونه انتخاب شدند. با توجه به توزیع جمعیت آماری جامعه از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای نسبتی استفاده شد.

جدول (۱) نمونه آماری دانشجویان کارشناسی پسر دانشگاه تبریز

گروه های عمده تحصیلی	فنی و مهندسی	علوم پایه	علوم انسانی
جامعه	۳۱۰۶	۹۵۱	۱۰۷۲
نمونه	۲۱۶	۷۰	۷۵

نشان می‌دهد. و پایایی آن نیز با آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر با $0/83$ بدست آمد [۳۵].

ب- مقیاس ارزیابی تعلل‌ورزی تصمیم‌گیری (DPS). این مقیاس توسط مان در سال ۱۹۸۲ [۳۶] برای اندازه‌گیری تعلل‌ورزی تصمیم‌گیری ساخته شده و دارای ۵ گویه است که در مقابل هر گویه، طیف ۵ گزینه‌ای از قطعاً غلط (نمره صفر) و قطعاً صحیح (نمره ۴) قرار دارد. این مقیاس دارای پایایی و روایی مطلوب گزارش شده است. حسینی و خیر (۱۳۸۸)، آنرا ترجمه و ضریب آلفای کرونباخ $0/78$ ، برای آن مشخص و یک عامل عمومی در کل مقیاس برای آن گزارش کرده‌اند. همچنین شاخص‌های تحلیل عامل تأییدی به دست آمده در این پژوهش $(CFI=0/95)$ و $(RMSEA=0/06)$ حاکی از برازندگی کامل مدل می‌باشد.

دست آمده در این پژوهش $(CFI=0/98)$ و $(RMSEA=0/03)$ با حذف ۴ گویه از مولفه‌های مختلف حاکی از برازندگی کامل مدل می‌باشد.

نتایج

جدول (۲) ماتریس همبستگی جهت‌گیری گرایش به بخشش خود، عاطفه منفی، تعلل‌ورزی عمومی و تصمیم‌گیری را نشان می‌دهد. همان‌گونه که جدول نشان می‌دهد همبستگی به دست آمده همسو با مدل پیشنهادی است. گرایش به بخشش همبستگی منفی معنی‌داری با عاطفه منفی در سطح $0/001$ دارد و همچنین گرایش به بخشش با تعلل‌ورزی عمومی و تصمیم‌گیری همبستگی منفی معنی‌داری در سطح $0/001$ دارد. همچنین بزرگترین همبستگی مربوط به همبستگی بین خودبخشی و عاطفه منفی $(-0/526)$ است. بیشترین همبستگی تعلل‌ورزی تصمیم‌گیری با متغیرهای این پژوهش مربوط به همبستگی آن با عاطفه منفی $(0/388)$ می‌باشد. الگوی مفهومی پیشنهاد شده برای پیش‌بینی تعلل‌ورزی عمومی و تصمیم‌گیری، از طریق نرم افزار آماری AMOS و با روش مدل‌یابی ساختاری بررسی و از شاخص مجذور کای (χ^2) ، شاخص برازندگی مقایسه‌ای CFI، شاخص‌های برازش پیش‌بین AIC و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب (RMSEA) برای برازش مدل استفاده شد. در جدول (۲) شاخص‌های خوبی برازش الگو یا مدل گزارش شده است. همانطور که جدول نشان می‌دهد شاخص مجذور کای در سطح $0/001$ معنی‌دار است. اما چون حجم نمونه تقریباً بزرگ است، نمی‌توان بر معناداری آن به منزله رد فرض صفر و موجه بودن آن برای جامعه تأکید کرد. بنابر این، برای کاهش اثر وابستگی آن به اندازه نمونه به سایر شاخص‌ها و تفاسیر آن می‌پردازیم. ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب $(0/05)$ $(RMSEA=)$ بدست آمد. این شاخص برای مدل‌های خوب کمتر از $0/05$ و معمولاً در مدل‌های ضعیف اندازه آن بزرگتر از

الف- مقیاس ارزیابی تعلل‌ورزی رفتاری (GPS). این مقیاس در سال ۱۹۸۶ توسط لی برای بررسی تعلل‌ورزی رفتاری ساخته شده و دارای ۲۰ گویه است که در مقابل هر گویه، طیف ۵ گزینه‌ای از قطعاً غلط (نمره صفر) و قطعاً صحیح (نمره ۴) قرار دارد. حسینی و خیر (۱۳۸۸)، آنرا ترجمه و ضریب آلفای کرونباخ $0/80$ ، برای آن مشخص و یک عامل عمومی در کل مقیاس برای آن گزارش کرده‌اند. در این پژوهش روایی سازه ابزار با روش تحلیل عامل تأییدی مورد بررسی قرار گرفت. در مدل نهایی با حذف ۸ گویه از گویه‌های پرسشنامه، شاخص‌های CFI برابر با $0/93$ و $RMSEA=0/06$ به دست آمد که برازندگی کامل مدل را

ج- مقیاس ارزیابی عاطفه مثبت و منفی (PANAS). این مقیاس در سال ۱۹۸۸ توسط واتسون و همکاران [۳۷] برای اندازه‌گیری دو بعد «عاطفه منفی» و «عاطفه مثبت» ساخته شده و دارای ۲۰ گویه است که در مقابل هر گویه، طیف ۵ گزینه‌ای از بسیار کم (نمره ۱) و بسیار زیاد (نمره ۵) قرار دارد که توسط آزمودنی رتبه‌بندی می‌شود و دامنه نمرات برای هر خرده‌مقیاس ۱۰ تا ۵۰ است. در پژوهشی ضریب سازگاری درونی (آلفا) برای خرده‌مقیاس عاطفه مثبت، $0/88$ ، و برای خرده‌مقیاس عاطفه منفی، $0/87$ ، گزارش نموده‌اند [۳۷]. در این پژوهش از تحلیل عاملی تأییدی برای بررسی روایی سازه استفاده شد. برازش مدل با دو عامل و 20 ماده بررسی شد. با توجه به مقادیر به دست آمده برای شاخص $CFI=0/95$ و $RMSEA=0/03$ بنابر این می‌توان نتیجه گرفت با حذف ۸ ماده از عاطفه منفی و مثبت، مدل دو عاملی از برازش خوبی برخوردار است و پایایی آن با آلفای کرونباخ برای مقیاس عاطفه منفی و مثبت به ترتیب برابر با $0/73$ و $0/76$ بدست آمد.

د- مقیاس گرایش به بخشش (HFS). این مقیاس توسط تامپسون، اشناپدر، هافمن و همکاران در سال (۲۰۰۵) طراحی شد که ۱۸ گویه دارد و میزان گرایش به بخشش در افراد با توجه خود-گزارشی فرد مشخص می‌شود. این پرسشنامه سه زیرمقیاس ۶ گویه‌ای، از (۶ تا ۱) برای اندازه‌گیری خودبخشی، از (۷ تا ۱۲) برای اندازه‌گیری دیگر بخششی و از (۱۳ تا ۱۸) برای اندازه‌گیری موقعیت بخششی طراحی شده است در مقابل هر گویه یک مقیاس ۷ درجه‌ای از همیشه غلط (نمره ۱) تا همیشه صحیح (نمره ۷) قرار دارد. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده توسط طراحان برای مقیاس گرایش به بخشش (خود، دیگران و موقعیت) برای کل پرسش‌نامه برابر با $0/83$ ، برای خودبخشی $0/72$ ، برای دیگر بخششی $0/73$ ، و برای موقعیت بخششی $0/77$ ، بوده است [۲۵]. همچنین شاخص‌های تحلیل عامل تأییدی به

شاخص های مذکور مدل گرایش به بخشش خود-عاطفه منفی-
تعلل ورزشی عمومی و تصمیم گیری مدل مناسب برای داده ها
است.

۰/۱۰ است. شاخص برازندگی تطبیقی (CFI=۰/۹۵)، شاخص
تاکر لوئیس (TLI=۰/۹۲) نیز محاسبه شد. این شاخص ها برای
مدل های خوب بین ۰/۹۰ الی ۰/۹۵ تفسیر می شود. با توجه به

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار متغیر های پژوهش و ماتریس همبستگی بین گرایش به بخشش خود، عاطفه منفی، تعلل ورزشی عمومی و تصمیم گیری

متغیر ها	M	SD	۱	۲	۳
۱- خود بخششی	۲۴/۵۰	۴/۹۶	-		
۲- عاطفه منفی	۱۵/۴۵	۴/۹۶	-۰/۵۲۶**		
۳- تعلل ورزشی عمومی	۱۵/۶۷	۴/۶۵	-۰/۱۳۸**	-۰/۲۷۸**	
۴- تعلل ورزشی تصمیم گیری	۱۲/۰۳	۳/۹۰	-۰/۲۲۲**	-۰/۳۸۸**	-۰/۵۰۲**

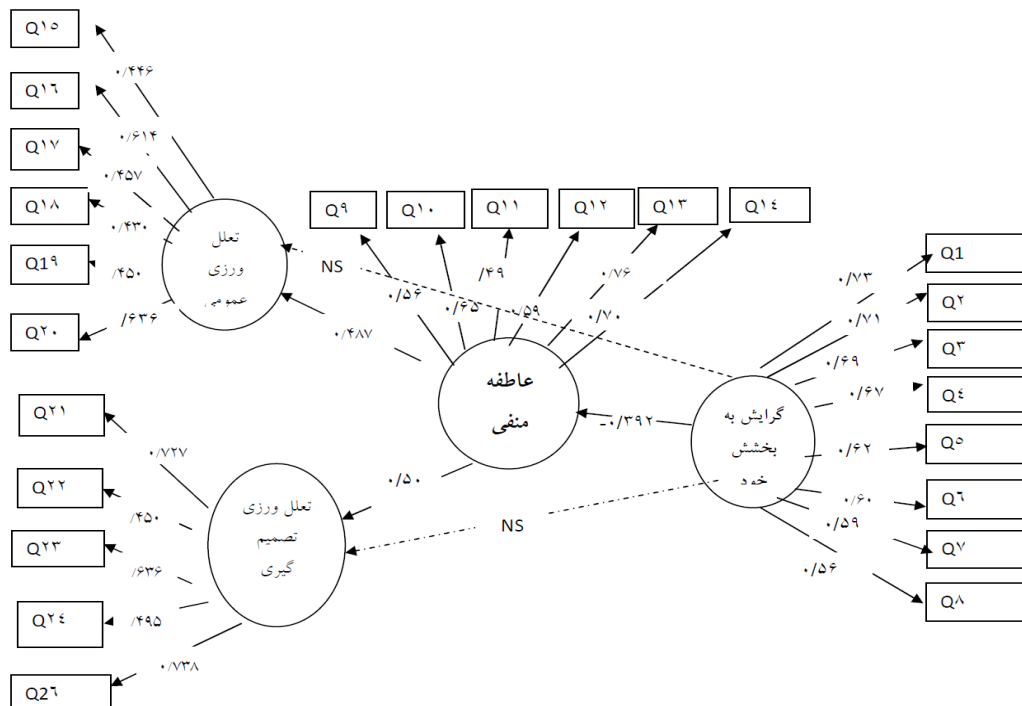
الگوی ساختاری، اثر غیر مستقیم جهت گیری بخشش خود بر
تعلل ورزشی عمومی از طریق سازه میانجی عاطفه منفی (۰/۱۹۱-
 $\beta =$) و اثر غیر مستقیم گرایش به بخشش خود بر تعلل ورزشی
تصمیم گیری از طریق سازه میانجی عاطفه منفی (۰/۱۹۹-
 $\beta =$) نیز دارای ضرایب معنا داری هستند. اما مسیر های مستقیم سازه
برونزای گرایش به بخشش خود به سازه های تعلل ورزشی تصمیم
گیری و تعلل ورزشی عمومی معنی دار نبوده است.

شکل (۲) و جدول (۳) نشان می دهند که تعلل ورزشی عمومی و
تصمیم گیری، عاطفه منفی و گرایش به بخشش خود، سازه های
نهفته در الگوی پیشنهادی حاضر هستند. تمام نشانگر های مربوط
به سازه های نهفته در الگو، ضرایب مسیر بالایی را نشان دادند.
بررسی ضرایب شکل (۲) نشان می دهد که مسیر سازه ی
برونزای^۱ گرایش به بخشش خود به عاطفه منفی (۰/۵۲۰ = β)
ضریب برآورد شده استاندارد قابل قبول و معناداری دارد. بر اساس

جدول ۳. شاخص های آماری برازندگی انطباق

χ^2	CFI	TLI	IFI	RMSEA
۴۴۴	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۰۵

شکل ۲. الگوی معادله ساختاری پس از برازندگی داده ها با الگوی مفروض



1 .exogenous variables

جدول ۴: مسیرهای آزمون شده در الگوی معادله ساختاری

مسیرها	تأثیرات مستقیم	تأثیرات غیر مستقیم	تأثیرات کل
به عاطفه منفی			
گرایش به بخشش خود	-۰/۳۹۲	-	-۰/۳۹۲
به تعلل ورزی عمومی			
عاطفه منفی	۰/۴۸۷	-	۰/۴۸۷
گرایش به بخشش خود	-	-۰/۱۹۱	-۰/۱۹۱
به تعلل ورزی تصمیم‌گیری			
عاطفه منفی	۰/۵۰	-	۰/۵۰
گرایش به بخشش خود	-	-۰/۱۹۹	-۰/۱۹۹

بحث

در این مطالعه رابطه گرایش به بخشش خود با تعلل ورزی رفتاری و تصمیم‌گیری دانشجویان از طریق اثر میانجی و واسطه‌ای عاطفه منفی مورد مطالعه قرار گرفت. تحلیل الگوی معادلات ساختاری این فرضیه ما را که گرایش بر بخشش از طریق غیر مستقیم یعنی کاهش عاطفه منفی بر تعلل ورزی رفتاری و تصمیم‌گیری دانشجویان اثر گذار است، مورد تأیید قرار داد. این مطالعه نشان داد که گرایش به بخشش خود تأثیر مناسبی بر کاهش تعلل ورزی از طریق کاهش عواطف منفی دارد. به عبارت دیگر دانشجویانی که گرایش به بخشش بالاتری داشتند از طریق بخشیدن خود موجب شدند تا احساسات منفی مانند احساس گناه و شرم کمتری تجربه نموده و احساس تقصیر و خود تنبیهی کمتری داشته باشند و در اثر کاهش عواطف منفی انگیزش گرایش به پیشرفت و عمل، افزایش یافته است و بر عکس دانشجویانی که تمایل به بخشش در آنها پایین تر بوده است عواطف منفی بیشتری در مورد خود داشتند و این تداوم احساسات منفی موجب شده است تا آنها رفتار تعلل ورزی خود را ادامه دهند. همسویی یافته‌های این پژوهش با نظریه کنترل عاطفی محسوس است. به این شکل که بر پایه اولین مفروضه مطرح در نظریه کنترل عاطفی افراد در موقعیت‌های مختلف همسو با گرایش‌ها و حتی حالات عاطفی خود به موقعیت‌ها پاسخ می‌دهند [۲۸]. بنابراین دانشجویانی که گرایش به بخشش در آنها پایین تر بوده، عاطفه منفی مانند احساس گناه، ترس و نا اطمینان، خشم و احساس شرم را تجربه کردند. می‌توان گفت دانشجویانی که خودانتقادی و خود تنبیهی بالاتری را تجربه می‌کنند، چنین افرادی تمام حوادث منفی زندگی را به کوتاهی‌های خود نسبت می‌دهند و بنابراین حالات عاطفی منفی خواهند داشت و در نتیجه رفتارهای اجتنابی مانند تعلل ورزی دنبال خواهند نمود.

یافته‌های پژوهشی [۳۸] نیز اشاره به این نکته دارد که عاطفه منفی با رگه اضطراب، ترس، نگرانی و احساس گناه ارتباط دارد. از طرف دیگر افرادی که گرایش به خود بخششی در آنها بالاتر است اشتباهات خود را می‌پذیرند و این تمایل به بخشش موجب

می‌شود تا تنفر از خود و خود انتقادی شدید از خود کاهش یافته و فرد از آنها رهایی پیدا کند. نتیجه این گرایش به بخشش بیشتر، کاهش احساسات‌های عاطفی منفی است و لذا بر اساس نظریه کنترل عاطفی، پایین آمدن عواطف منفی موجب کاهش رفتارهای اجتنابی مانند تعلل ورزی در آنها می‌شود. نتایج بیانگر آن است که سطوح بالای گرایش به بخشش خود پیش‌بینی‌کننده افسردگی و اضطراب پایین، خشم کم، و رضایت از زندگی بالا از زندگی است [۲۵]. یافته‌ها نیز نشانگر آن است که بخشش خود به صورت معنی‌داری با راهبرد‌های مقابله‌ای پذیرش، تفسیر مجدد مثبت و مقابله فعال و به صورت منفی با راهبرد‌های مقابله‌ای انکار و عدم درگیری رفتاری با تکالیف مرتبط است [۳۱].

بالاخره یافته‌های پژوهشی نشان داد که تمایل به بخشیدن خود و دیگران و علایم افسردگی و خصومت رابطه‌ی منفی وجود دارد و بین بخشیدن خود و خصومت رابطه‌ی منفی و با سازگاری روانی کلی به مثبت همبستگی دارد [۳۹]. پژوهشگران حوزه بخشش نیز معتقد هستند که فرایند بخشش مشابه سایر فرایندهای انطباقی است. اگر روش‌های انطباقی را به دسته مسأله مدار و هیجان مدار تقسیم کنیم، بخشش خود جزء روش‌های هیجان مدار است. بخشش به عنوان یک روش مقابله ضمن کمک به تخلیه و مدیریت هیجان‌ات منفی ناشی از درماندگی به تقویت حمایت اجتماعی و سازگاری فرد کمک می‌کند [۴۰].

در تبیین نتایج این پژوهش بر اساس نظریه خودتنظیمی نیز می‌توان گفت بخشش خود به عنوان یک سری از تغییرات در انگیزش باعث گردیده است تا اجتناب از محرک مربوط به تخلف و خود تنبیهی، کاهش یافته و در مقابل انگیزش برای رفتار مهربانانه با خود افزایش یابد. اما نتایج این پژوهش حاکی از آن است که این تأثیر به صورت مستقیم نبوده است بلکه به این صورت بوده است که گرایش به بخشش موجب آزاد شدن و رهایی فرد از احساس خطا و تخطی نسبت به خود می‌شود و کاهش احساسات منفی نسبت به خود موجب توانمندی و انرژی بیشتر فرد برای انجام تکالیف و وظایف روزمره و اجرای تصمیم‌گیری‌های خود شده است. برخی پژوهش‌های قبلی در تأیید یافته‌های

پژوهش حاضر است. فقدان بخشش می تواند مانعی برای سلامت و بهزیستی روانی افراد گردد. نتایج پژوهش آنها نشانگر آن است که عدم گرایش به بخشش خود موجب می شود که نشخوار ذهنی فرد در زمینه خطا و تخلف نسبت به خود افزایش یافته و این نشخوار ذهنی موجب اضطراب فرد می شود [۲۵]. در پژوهشی نشان داده شد که نگرش و گرایش به بخشش خود به صورت معناداری سازگاری روانشناختی بیماران زن مبتلا به سرطان سینه را پیش بینی نمود. افرادی که گرایش به خود بخششی داشتند آنها قادر به بخشش خود شدند و در نتیجه وقت کمتری از خودشان را روی نشخوار اشتباهات و کوتاهی های خود صرف کردند و ظرفیت شناختی آنها برای مقابله با استرس آزاد شد [۳۲]. از محدودیت های موجود پژوهش حاضر محدود بودن پژوهش به دانشجویان پسر و مقطعی بودن آن است که امکان تعمیم پژوهش حاضر را با احتیاط هایی مواجه می کند. توصیه به محققان آینده آن است که پژوهش های آتی باید اثرات کاربردی گرایش به خودبخششی بر روی تعلل ورزی رفتاری و تصمیم گیری دانشجویان باشد. انجام پژوهش های مداخله ای مثل برنامه های آموزشی بخشایشگری و یا بررسی سایر سازه های مثبت روان شناختی مثل سخت رویی روان شناختی توصیه می شود.

نتیجه گیری

از آنجا که تعلل ورزی مشکل انگیزشی بسیار شایع در دانشجویان است. استفاده عوامل روانشناختی مانند خود بخششی که به صورت منفی با تعلل ورزی در ارتباط است، روش کاربردی

مناسبی برای کاهش این مشکل انگیزشی است. لذا در تدابیر درمانی و مشاوره روانشناختی تعلل ورزی، باید تأکید بیشتری بر کاهش احساس گناه ناشی از شکست های فرد در زمینه های مختلف زندگی و تحصیلی شود و همانطور که نتایج تجربی پژوهش نشان داد کاهش احساس شرم و گناه فرد به دلیل انتقاد از خود و خود تنبیهی می تواند موجب کاهش تعلل ورزی شود. بنابراین، مهم ترین نتیجه این پژوهش، تأکید بر آموزش روانشناسی بخشش خود در سطوح مختلف رشد و بهره گیری از کلیه امکانات و روش های متعدد به کار گیری بخشش درمانی در خدمات مشاوره و روان درمانی است.

ملاحظات اخلاقی

مقاله حاضر مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی دانشجو است که در مورخه ۹۲/۱۰/۲۲ و با کد مصوب ۷۸۷۳۴۳ در معاونت پژوهشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تبریز به تصویب رسیده است.

سپاسگزاری

از کلیه مسئولین محترم و کارشناسان آموزشی دانشکده های مختلف دانشگاه تبریز و دانشجویان شرکت کننده در مطالعه، تشکر و قدر دانی ویژه داریم..

تضاد منافع

انجام این تحقیق و امتیازات علمی و پژوهشی حاصل از آن با منافع مادی و معنوی هیچ کس، هیچ گروه و نهادی در تعارض نیست.

References

1. Ellis A, Knaus WJ. Overcoming procrastination: or, how to think and act rationally in spite of life's inevitable hassles. Signet; 1979 Jul 3.
2. Steel P. The nature of procrastination: A meta-analytic and theoretical review of quintessential self-regulatory failure. Psychological bulletin. 2007 Jan; 133(1):65.
3. Sirois FM. Procrastination and counterfactual thinking: Avoiding what might have been. British Journal of Social Psychology. 2004 Jun; 43(2):269-86.
4. Howell AJ, Watson DC. Procrastination: Associations with achievement goal orientation and learning strategies. Personality and Individual Differences. 2007 Jul 1; 43(1):167-78.
5. Janssen J. Academic procrastination: Prevalence among high school and undergraduate students and relationship to academic achievement.
6. Milgram NA, Sroloff B, Rosenbaum M. The procrastination of everyday life. Journal of Research in Personality. 1988 Jun 1; 22(2):197-212.
7. McCown W, Johnson J, Petzel T. Procrastination, a principal components analysis. Personality and Individual Differences. 1989 Jan 1; 10(2):197-202.
8. Ferrari JR. Academic and dispositional procrastination: Examining personality correlates. In annual meeting of the Eastern Psychological Association, Boston, MA 1989.
9. Potts TJ. Predicting procrastination on academic tasks with self-report personality measures (Doctoral dissertation, ProQuest Information & Learning).
10. O'Brien WK. Applying the transtheoretical model to academic procrastination (Doctoral dissertation, ProQuest Information & Learning).
11. Day V, Mensink D, O'Sullivan M. Patterns of academic procrastination. Journal of College Reading and Learning. 2000 Mar 1; 30(2):120-34.
12. Haycock LA. The cognitive mediation of procrastination: An investigation of the relationship between procrastination and self-efficacy beliefs (Doctoral dissertation, ProQuest Information & Learning).
13. Karami D. The prevalence of procrastination among university students and its relation with anxiety and depression. Journal of Andisheh va Raftar, 2001; 4(13): 25-34. [In Persian].
14. Hess B, Sherman MF, Goodman M. Eveningness predicts academic procrastination: The mediating role of neuroticism. Journal of Social Behavior and Personality. 2000; 15(5):61.

15. Watson DC. Procrastination and the five-factor model: A facet level analysis. *Personality and individual differences*. 2001 Jan 5; 30(1):149-58.
16. Washington JA. The Relationship between Procrastination and Depression among Graduate and Professional Students across.
17. Prohaska V, Morrill P, Atilas I, Perez A. Academic procrastination by nontraditional students. *Journal of Social Behavior and Personality*. 2000; 15(5):125.
18. Senecal C, Koestner R, Vallerand RJ. Self-regulation and academic procrastination. *The journal of social psychology*. 1995 Oct 1; 135(5):607-19.
19. Wolters CA. Understanding procrastination from a self-regulated learning perspective. *Journal of educational psychology*. 2003 Mar; 95(1):179.
20. Ferrari JR. Procrastination as self-regulation failure of performance: effects of cognitive load, self-awareness, and time limits on 'working best under pressure'. *European journal of Personality*. 2001 Sep; 15(5):391-406.
21. Gailliot MT, Mead NL, Baumeister RF. Self-regulation. *Handbook of personality: Theory and research*. 2008 Jan 1; 3:472-91.
22. Macaskill A. Defining forgiveness: Christian clergy and general population perspectives. *Journal of personality*. 2005 Oct; 73(5):1237-66.
23. Sells JN, Hargrave TD. Forgiveness: A review of the theoretical and empirical literature. *Journal of Family Therapy*. 1998 Feb; 20(1):21-36.
24. North J. The "ideal" of forgiveness: A philosopher's exploration. *Exploring forgiveness*. 1998 Apr 15:15-34.
25. Thompson LY, Snyder CR, Hoffman L, Michael ST, Rasmussen HN, Billings LS, Heinze L, Neufeld JE, Shorey HS, Roberts JC, Roberts DE. Dispositional forgiveness of self, others, and situations. *Journal of personality*. 2005 Apr; 73(2):313-60.
26. Hall JH, Fincham FD. Self-forgiveness: The stepchild of forgiveness research. *Journal of social and clinical psychology*. 2005 Aug 1; 24(5):621-37.
27. Fee RL, Tangney JP. Procrastination: A means of avoiding shame or guilt? *Journal of Social Behavior and Personality*. 2000; 15(5):167.
28. Chebat JC, Slusarczyk W. How emotions mediate the effects of perceived justice on loyalty in service recovery situations: an empirical study. *Journal of Business Research*. 2005 May 1; 58(5):664-73.
29. Wohl MJ, Pychyl TA, Bennett SH. I forgive myself, now I can study: How self-forgiveness for procrastinating can reduce future procrastination. *Personality and Individual Differences*. 2010 May 1; 48(7):803-8.
30. Heinze L, Snyder CR. Forgiveness components as mediators of hostility and PTSD in child abuse. *American Psychological Association, San Francisco*. 2001.
31. Rasmussen HN, Lopez SJ. Forgiveness and adaptive coping. *Journal of Personality*. 2000; 73(2):314-60.
32. Romero C, Friedman LC, Kalidas M, Elledge R, Chang J, Liscum KR. Self-forgiveness, spirituality, and psychological adjustment in women with breast cancer. *Journal of Behavioral Medicine*. 2006 Feb 1; 29(1):29-36.
33. Wohl MJ, DeShea L, Wahkinney RL. Looking within: Measuring state self-forgiveness and its relationship to psychological well-being. *Canadian Journal of Behavioural Science/Revue canadienne des sciences du comportement*. 2008 Jan; 40(1):1.
34. Chuan CL, Penyelidikan J. Sample size estimation using Krejcie and Morgan and Cohen statistical power analysis: A comparison. *Jurnal Penyelidikan IPBL*. 2006; 7(1):78-86.
35. Hosseini F, Khayyer M. Prediction of behavioral and decisional procrastination considering meta-cognition beliefs in university students. *Iranian journal of psychiatry and clinical psychology*. 2009; 15(3):265-273. [In Persian] .
36. Diaz-Morales JF, Ferrari JR, Diaz K, Argumedo D. Factorial structure of three procrastination scales with a Spanish adult population. *European Journal of Psychological Assessment*. 2006 Jan; 22(2):132-7.
37. Bakhshpour A, Dejhgham M. A Confirmatory Factor Analysis of Positive and Negative Affect Scale. *Journal of psychology*. 2006 winter; 9(4): 351-365.
38. Spindler H, Denollet J, Kruse C, Pedersen SS. Positive affect and negative affect correlate differently with distress and health-related quality of life in patients with cardiac conditions: Validation of the Danish Global Mood Scale. *Journal of Psychosomatic Research*. 2009 Jul 1; 67(1):57-65.
39. Leach MM, Lark R. Does spirituality add to personality in the study of trait forgiveness? *Personality and individual differences*. 2004 Jul 1; 37(1):147-56.
40. Maltby J, Macaskill A, Gillett R. The cognitive nature of forgiveness: Using cognitive strategies of primary appraisal and coping to describe the process of forgiving. *Journal of clinical psychology*. 2007 Jun; 63(6):555-66.